

تحلیل و بررسی اتفاقات منطقه غرب آسیا

آن هستیم که ایران، وارد فاز جدیدی از قدرت شده و نسبت به گذشته، دارای ظرفیت بیشتری است که برای این موضوع، دستگاه دیپلماسی باید به درک و استفاده درست برسد. سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله، راهپیمایی پرچم را به یک انفجار بزرگ، تعبیر کرد و آن را منشأ تحولات بزرگ در منطقه دانست، زیرا رژیم صهیونیستی با این راهپیمایی، به دنبال مشروعیت است و قصد دارد دستاوردهای مقاومت را از بین ببرد. با توجه به این درگیری‌ها و شهادت خبرنگار فلسطینی به ضرب گلوله نظامیان صهیونیست، در روزهای آینده، شاهد تحولات وسیعی خواهیم بود. در ادامه، موضوع را در دو سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بررسی می‌کنیم.

در سطح بین‌المللی، می‌توان به موضوعات زیر اشاره کرد:

- تغییر مؤلفه گذار در نظم بین‌الملل از نظام تک قطبی به چندقطبی و افول هژمونی آمریکا که به عنوان مثال، می‌توان به خروج آمریکا از منطقه و

حملات موشکی رژیم صهیونیستی به سوریه، اعلام آمادگی ترکیه برای انجام عملیات نظامی در شمال این کشور، خراب‌کاری و ترور نیروهای تأثیرگذار در ایران، از جمله شهید صیاد خدایی و توقیف دو نفتکش یونانی از سوی سپاه در پاسخ به توقیف نفتکش ایران، از جمله بحران‌های امنیتی اخیر میان اسرائیل و محور مقاومت، در چند روز اخیر است که باعث شده تا منطقه غرب آسیا، در صدر خبرهای سیاسی قرار گیرد. در همین راستا، مرکز مطالعات آمریکا در یک گفتگوی علمی با دو تن از اساتید حوزه روابط بین‌الملل، به تحلیل و بررسی اتفاقات منطقه غرب آسیا پرداخت که در ادامه، می‌توانید متن این گفتگو را مطالعه کنید.

تحلیل وضعت منطقه و آینده آن، با توجه به این اتفاقات

در ابتدای این نشست، دکتر علی سروش، کارشناس مسائل بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) به تحلیل وضعیت منطقه با توجه به اتفاقات اخیر، پرداخت و بیان کرد: اکنون شاهد

افغانستان و توقیف دو نفتکش یونانی از سوی سپاه پاسداران اشاره کرد؛

- پس از جنگ اوکراین با روسیه و عدم پشتیبانی جدی و حمایت مستقیم آمریکا از این کشور، شاهد بودیم که این تردید در کشورهای متحد، از جمله امارات، به وجود آمد که آیا آمریکا در شرایط بحران، می‌تواند حامی خوبی باشد؟ همین موضوع، موجب ظهور قدرت‌های جدید خواهد شد؛

- اگر روسیه برنده جنگ با اوکراین شود، به عنوان بازیگر جدید در خاورمیانه، معرفی می‌شود و می‌تواند نقش جدی ایفا کند؛
- ما به لحاظ بین‌المللی، فرصت‌هایی داریم و رقبای منطقه، به شدت تحت فشار هستند. همچنین، رقبای چین و روسیه، می‌توانند فرصت‌های خوبی برای ما باشند و این اقدام، به دیپلماسی فعال و هوشمند دستگاه وزارت خارجه و تحول در این دستگاه نیاز دارد.

در سطح منطقه، می‌توان به موضوعات زیر اشاره کرد:

- افزایش سرعت تحولات در منطقه و ظهور بازیگران جدید در

آن، از جمله چین و روسیه که با توجه به خروج آمریکا از منطقه، این خلأ، باید با قدرت‌های جدید پر شود؛

- سیاست عادی‌سازی روابط با اسرائیل، از سوی اعراب؛

- اکنون شاهد معادله قدرت به نفع محور مقاومت و رقابت جدی میان ایران و اسرائیل هستیم که رژیم صهیونیستی، سعی کرده است تا با ترور نخبگان در پارچین و انجام عملیات خراب کارانه، جو روانی منفی ایجاد کند. باید گفت که ما، هیچ‌کدام از این اقدامات را بی‌پاسخ نگذاشته‌ایم، هرچند اعلام عمومی نکرده‌ایم. البته برخی از کارشناسان، معتقدند برای افزایش قدرت بازدارندگی، لازم است تا آشکارسازی بیشتری داشته باشیم. به شرط استفاده از فرصت‌ها، دستگاه سیاسی ایران از این تحولات، آسیب جدی نمی‌بیند.

در ادامه، دکتر ابوالفضل بازرگان (کارشناس مسائل بین‌الملل)، این موضوع را از ابعاد گذار در نظم بین‌الملل و برجام، دنبال نموده و بیان کرد:

عمده تحولات و نقطه عطف آن را باید در خروج آمریکا و مبحث نظام گذار بین‌المللی تک‌قطبی به چندقطبی دانست که همین امر، موجب شده تا دیگر کشورهای هم‌پیمان با آمریکا، بر روی این کشور به عنوان یک پشتوانه، حساب باز نکنند و حس بی‌اعتمادی به آن پیدا کنند و همین امر، باعث شده است که این کشورها، به دنبال ورود به اتحادهای جدید - که ریشه امنیتی دارند - باشند و ما، می‌توانیم از این فرصت استفاده کنیم و با این کشورها، تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی امنیتی امضا کنیم؛ زیرا بسیاری از ارتباطات کشورها، ریشه امنیتی دارد. به عنوان مثال، می‌توان به عادی‌سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی و رابطه ترکیه با عربستان، اشاره کرد که ریشه امنیتی دارند. آنان که در نظم قبلی بودند، اکنون احساس ترس امنیتی دارند اما کشور ایران که در ۲۰ سال گذشته، همیشه آماده مقابله با هژمونی آمریکا بوده، طبیعی است که اکنون، احساس ترس ویژه‌ای نداشته باشد. البته ما نباید با

خیال راحت رفتار کنیم و باید از تغییر این نظم بهره ببریم.

در موضوع برجام، آن چیزی که از بیرون حتی توسط کشورهای دیگر مشاهده می‌شود، این است که مذاکرات احیای برجام، به سمت ناامیدی می‌رود و کشورهای دیگر نیز به سمت سناریوی شکست ایران در برجام پیش می‌روند.

در تفاوت میان مذاکرات سال ۲۰۱۵ با مذاکرات حال حاضر،

باید گفت که در مذاکرات سال ۲۰۱۵، آمریکا قصد داشت تا با

تهدیدهای زیاد، در زمان مذاکره به نتیجه دلخواهش برسد اما

اکنون، طبق گفته خودشان، دیگر گزینه نظامی ندارند و تنها راه حل

را در احیای مذاکرات و برجام می‌دانند. اتفاقات و تحولات

اخیر نیز چیزی جز ایجاد فشار روانی بر ایران نیست، زیرا بهترین

گزینه برای رژیم صهیونیستی هم توافق است. رژیم صهیونیستی با

ترور و خرابکاری در زیرساخت‌ها، قصد دارد این فشار را ایجاد کند

که نباید از نقش منافقان در این اقدامات و ایجاد حس ناامنی

در میان مردم غافل شد. خروج روسیه از سوریه و عدم هماهنگی

با رژیم صهیونیستی در موضوعی

مانند اوکراین، باعث شده تا میان روسیه و رژیم صهیونیستی، فاصله

ایجاد شود و همین خروج روسیه از سوریه به دلیل جنگ با اوکراین،

موجب افزایش قدرت ایران در سوریه و مرز رژیم صهیونیستی

شده است؛ زیرا هماهنگی ما با سوریه و داشتن پایگاه‌های

نظامی، توانایی ما را در مقابل رژیم صهیونیستی بالا برده است.

در خلأ نبود آمریکا در منطقه، رژیم صهیونیستی قصد دارد

تا اقدام به یارگیری کند و این یارگیری را با کشورهای از جمله

ترکیه، آذربایجان و امارات، انجام داده است، هرچند که ما هم باید

بتوانیم این فرصت‌های همکاری را با ایجاد توافقات و همکاری‌های

امنیتی ایجاد کنیم، زیرا این همکاری‌ها، موجب کاهش نفوذ

رژیم صهیونیستی می‌شود.

در پایان، هریک از اساتید به ایراد راهبردهایی پرداختند که در سرفصل‌های زیر، می‌توان

آن‌ها را خلاصه کرد:

- استفاده از نیروهای خلاق در نظام دیپلماسی برای تغییر نگاه

قدیمی؛

- تغییر نوع نگاه دیپلماسی از حل تمام مشکلات، تنها با مذاکره؛

- استفاده از همکاری با کشورهای منطقه؛

- همکاری با کشورهایی که ترس امنیتی دارند، مانند امارات و

امضای تفاهم‌نامه امنیتی؛

- تبدیل اقتدار نظامی به اقتدار اجتماعی و اقتصادی؛

- تقویت حوزه رسانه و عملیات روانی در برابر دشمن؛

- حل مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.